

نگاهی به ساختار نظام فدرال مالزی معطوف به شرایط افغانستان

توسلی غرجستانی

چکیده

اینک که فدرالیسم و تمرکززدایی به عنوان یک گفتمان غالب در میان کنشگران سیاسی و اجتماعی افغانستان مطرح شده و موافقان و مخالفان خود را دارند، طرح و بررسی نظام‌های فدرالی بخصوص در برخی از کشورهای اسلامی فارغ از سوگیری‌های غیر مفید و غرض‌آلود، می‌تواند زوایای مختلف این نوع مباحث را بیش از گذشته صیقل داده و برای برون رفت عقلانی از وضعیت نامطلوب چند دهه اخیر مفید و مثمر ثمر واقع شود زیرا نظام‌های ریاستی متمرکز، مشروطه و نیمه مشارکتی تجربه شده در افغانستان تاکنون نتوانسته چالش‌های فوق را به درستی مدیریت نموده و موجب تحقق عدالت اجتماعی در سطح کشور شوند.

واژگان کلیدی: فدرالیسم، نظام سیاسی، جوامع متکثر، مالزی، افغانستان، توزیع منابع قدرت و ثروت.

گزینش نوع نظام سیاسی در جوامع و کشورهای چند قومی، چند مذهبی و چند فرهنگی با هدف کاهش و محو تبعیض و نابرابری و مدیریت کارا یکی از مباحث مهم در بخش حکومتداری است. مالزی از کشورهای مسلمان و توسعه‌یافته‌ای است که از زمان استقلال در سال ۱۹۵۷ نظام پارلمانی فدرالی را برای اداره کشور از دو بعد توزیع قدرت سیاسی و منابع اقتصادی به صورت عمودی و افقی مورد توجه قرار داده و در زمینه‌های گوناگون از جمله تحقق عدالت اجتماعی، سیاسی، توزیع قدرت میان ایالات و مرکز و مدیریت جامعه متکثر چند قومی، دینی، زبانی و فرهنگی موفق بوده و است. این الگو می‌تواند در افغانستان که با چالش جدی تحقق عدالت اجتماعی به دلایل نابرابری قومی، زبانی، جنسیتی و مذهبی از گذشته تاکنون روبرو بوده، مفید و مؤثر واقع شود.

سیستم حکومت‌داری در دنیای امروز منحصر به یک نوع نظام نیست بلکه هر کشور با توجه به شرایط و محدودیت‌های جغرافیایی، قومی، مذهبی و اقتصادی که دارند نوع نظام خود را با هدف تحقق عدالت اجتماعی انتخاب می‌کنند. زیرا حکومت یک امر عرفی است که برای مدیریت امور سیاسی، تقنینی، قضایی، امنیتی، اداری، ارائه خدمات عامه و تحقق عدالت و برابری و محو یا کاهش تبعیض و نابرابری به وجود می‌آید. در قرآن کریم نیز فلسفه بعثت پیامبران همراه با دلایل روشن و نزول کتب آسمانی و معیار سنجش به آنان، قیام به قسط و عدال بیان شده است (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ/ آیه ۲۵ سوره حدید). هم‌چنان‌که نظام ممکن است پادشاهی مطلق، پادشاهی مشروطه، پادشاهی فدرال، جمهوری متمرکز، جمهوری پارلمانی و جمهوری فدرال باشد. هر کدام از نظام‌های فوق ویژگی‌ها، بایسته‌های و نابایسته‌های خود را دارند که در جای خود قابل تأمل است و جوامع بر بنیاد نیازها و اهداف خود و مدیریت درست آن‌ها یکی از آن‌ها را بر می‌گزینند. در آغاز قرن بیستم تنها ۹ کشور به عنوان نظام فدرال در جهان وجود داشت؛ این کشورها عبارت بودند از آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، آلمان، مکزیک، سوئیس، آمریکا و ونزوئلا. اما در پایان قرن بیستم کشورهای اتریش، بلژیک، کومور، هند، مالزی، نیجریه، پاکستان، روسیه، تانزانیا، امارات متحده عربی و آفریقای جنوبی به این دسته از کشورها پیوستند. (امیدی، ۱۳۹۵: ۷۴) هرچند از نظر تعداد، کشورهای فدرال، محدودند ولی به دلیل این‌که بیشتر آنان کشورهای بزرگ و پرجمعیتی هستند، از لحاظ جغرافیایی و جمعیت نظام فدرالیسم بیش از ۵۰ درصد کره زمین را شامل می‌شوند. از این رو، قرن بیستم از نظر تقسیمات کشوری، قرن فدرالیسم تلقی

واژه فدرالیسم برگرفته از ریشه «فئودوس/ Feuds» لاتین به معنای عهد، پیمان و قول است. فدرالیسم به‌طور ساده از سازماندهی و همبستگی دولتی گفته می‌شود که بر طبق آن، نظام سیاسی از یک واحد سیاسی کل (دولت فدرال مرکزی) و واحدهای سیاسی جزء (مثلاً ایالت‌ها) تشکیل می‌شود. هرچند هر دو این سطوح دولتی، یعنی سطح فدرال و ایالتی از نهادهای دولتی خود مانند حکومت و دستگاه اداری دولتی، پارلمان و قوه قضائیه برخوردار هستند، اما در عین حال، همه آن‌ها با هم یک نظام سیاسی واحد را تشکیل می‌دهند. از این رو فدرالیسم را «اصل وحدت در کثرت» نامیده‌اند و این بدین معنی است که در نظام‌های مذکور، به جای اصل «یک ملت - یک دولت» پلورالیسم و تنوع ملی، قومی، فرهنگی و دینی حاکم است که ملاک و مبنای حاکمیت سیاسی قرار می‌گیرد. (امیدی، همان)

کشورهای فدرال از نظر نحوه تشکیل و مشخصات عمومی به سه دسته قابل تقسیم است:

۱. فدرالیسم سرزمینی؛ کشورهایی که به دلیل ساخت تاریخی و وسعت سرزمینی بزرگ، عملاً شکل‌گیری حکومت متمرکز در آن‌ها امکان‌پذیر نبوده است؛ مانند ایالات متحده آمریکا، برزیل، استرالیا، روسیه و...
۲. فدرالیسم ادغامی؛ برخی کشورها به دلیل کوچکی و جمعیت کم به تنهایی قادر به حفظ موجودیت خود نبوده‌اند و از این رو با هم متحد شده و هویت و کشور جدیدی را به وجود آورده و از نظر اقتصادی نیز به یک‌دیگر متکی شده‌اند. مثل کشورهای سوئیس که از بیست و شش حکومت با چهار زبان رسمی تشکیل شده است، آلمان قرن نوزدهم که از پیوستن شاهزاده نشین‌های متعدد به وجود آمد و هم‌چنین امارت متحده عربی که از ادغام شش امیرنشین تشکیل شده است.

۳. فدرالیسم فرهنگی؛ برخی کشورها برای حل مسأله ملی و تأمین حقوق اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی نظام متمرکز را منحل و سیستم فدرال را جایگزین آن کردند که کانادا، هندوستان، اسپانیا، بلژیک و پاکستان از جمله این کشورها هستند.

با توجه به شرایط افغانستان و ناکامی نظام‌های سیاسی تجربه شده از جمله پادشاهی مطلقه، پادشاهی مشروطه، جمهوری شاهانه، جمهوری دموکراتیک، امارت اسلامی و جمهوری اسلامی متمرکز مشارکتی که تاکنون تجربه شده، نتوانسته حقوق برابر شهروندی را برای اقوام، زبان‌ها و مذاهب مختلف تأمین کرده و نابرابری تاریخی را بزدایند. از این رو در کنار نظام‌های تجربه شده، نظام فدرال/ فدرالیسم نیز مورد توجه بسیاری از سیاستمداران و کنشگران اجتماعی این کشور قرار گرفته است. زیرا در جوامع و کشورهای که از اقوام، زبان، ادیان و مذاهب گوناگون تشکیل شده، معمولاً عدالت اجتماعی و سیاسی از قبیل حضور در نظام سیاسی، اداری، اقتصادی و دسترسی به امکانات و منابع موجود و اصلاح واحدهای اداری محلی با چالش‌های جدی روبرو بوده از این رو برخی کشورها راه حل کاهش این چالش‌ها را انتخاب نوع نظام سیاسی معطوف به فدرالیسم دانسته‌اند.

اینک به مناسبت بیست‌و‌هشتمین سالگرد شهادت شهید وحدت ملی استاد مزاری ویژه‌نامه تحت عنوان «فدرالیسم در افغانستان» با هدف تبیین و توضیح نظام فدرالی از زوایای گوناگون و تجربه سیاسی کشورهای مختلف، اختصاص داده شده زیرا رهبر شهید برای رسیدن به «عدالت اجتماعی» و «محو تبعیض و ستم ملی» از طرفداران نظام حکومت فدرال (جمهوری اسلامی فدرال) در افغانستان بود و در برهه‌ای که این بحث برای بسیاری از افراد اهمیت چندانی نداشت، حزب وحدت اسلامی افغانستان به رهبری ایشان مسوده قانون اساسی جمهوری اسلامی فدرال افغانستان را تدوین و ارائه کرد. از این رو نویسنده نیز

به سهم خود به صورت مطالعه موردی و کتابخانه‌ای نوع نظام فدرال یکی از کشورهای اسلامی که امروز به عنوان یکی از کشورهای اسلامی توسعه یافته و به عنوان اقتصاد چهارم آسیا و سی‌وششمین اقتصاد برتر جهان مطرح است، ارائه خواهد کرد.

کشور برگزیده در این نبشته کشور مالزی است. این کشور اسلامی از نظر پیشرفت و توسعه یافتگی جزو کشورهای توسعه یافته تلقی می‌شود و نوع نظام سیاسی آن نظام سلطنتی پارلمانی فدرالیسم است. انتخاب نوع نظام سیاسی و حکومتی منافاتی با مبانی اسلامی ندارد بلکه چنان‌که اشاره شد، انتخاب نوع نظام یک امر عرفی است که برای اداره بهتر کشورها و جوامع با هدف تحقق عدالت اجتماعی انتخاب می‌شود و اگر به تاریخ صدر و میانه اسلام نیز مراجعه کنیم نوع نظام فدرالیسم با اختیارات تعریف شده برای ولایات و مناطق گوناگون اسلامی به نحوی وجود داشته است هرچند مشخصاً با این نام و نشان شناخته نمی‌شد. به سخن دیگر، انتخاب سیستم سیاسی مالزی از آن جهت حایز اهمیت است که شواهد دال بر سازگاری اسلام با شکلی از پلورالیسم سیاسی را می‌توان در مالزی به خوبی دید. (خلیلی و دانشمندی، ۱۳۹۲: ۸۸) این کشور اسلامی فدرال در طی تعریف یک چشم‌انداز ۳۰ ساله بنام ۲۰۲۰ از ۱۹۹۱-۲۰۲۰ توانست به تدریج تبدیل به کشور توسعه یافته از لحاظ اقتصادی، عدالت اجتماعی، ثبات سیاسی، نظام حکومتی، کیفیت زندگی، ارزش‌های اجتماعی و معنوی، غرور ملی و استواری شود. (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۱۶۴) از آن‌جای که افغانستان با مالزی از نظر تنوع قومی، زبانی و مذهبی همانند است و این دو کشور کشور اقلیت‌هاست و دین رسمی هر دو اسلام، جهت تبیین موضوع فدرالیسم در افغانستان برگزیده شد. همچنان‌که در افغانستان اقوام مختلف و مذاهب متعدد با میزان جمعیت گوناگون حضور دارند در مالزی نیز اقوام مالایی، چینی، هندی و اقلیت‌های

۹ ایالت مالزی به طور دوره‌ای و به مدت پنج سال انتخاب می‌شود. قدرت اصلی در این کشور در دست نخست‌وزیر به عنوان رئیس قوه مجریه می‌باشد که نخست‌وزیر و اعضای کابینه بر اساس انتخابات مجلس نمایندگان فدرال انتخاب و تعیین می‌شوند. بر بنیاد بند ۲ ماده ۴۳ قانون اساسی مالزی، پادشاه این کشور از میان نمایندگان مجلس فردی را که مورد اعتماد اکثریت مجلس است به سمت نخست‌وزیری منصوب می‌کند.

حکومت فدرال

حکومت فدرال یا مرکزی شامل پادشاه انتخابی، نخست‌وزیر و کابینه، مجالس قانون‌گذاری و قوه قضائیه مرکزی می‌باشد. دو رکن قوه مجریه و قوه مقننه در ارتباط کامل با یکدیگر بوده و قوه مجریه از درون پارلمان فدرال شکل می‌گیرد و اعضای کابینه هم‌زمان عضو پارلمان نیز می‌باشند.

قوه مقننه: پارلمان مالزی دو مجلسی بوده و از مجالس نمایندگان و سنا تشکیل می‌گردد. مجلس سنا که بالاترین مجلس نمایندگی مردم در مالزی به شمار می‌رود، دارای ۷۰ سناتور می‌باشد. می‌توان نمایندگان مجلس سنا را به دو بخش تقسیم نمود. تعداد ۲۶ نماینده سنا یا سناتور از سوی مجالس ایالتی از مجموع ۱۳ ایالت مالزی (هر ایالت ۲ نفر) انتخاب و به مجلس سنا معرفی می‌شوند. تعداد ۴۴ نفر دیگر از سوی پادشاه به دلیل انجام خدمات برجسته و سوابق خدماتی و شایستگی آن‌ها، یا به نمایندگی از اقلیت‌های قومی و دینی، گروه‌های تخصصی، شرکت‌های بزرگ و دیگر گروه‌ها انتخاب و معرفی می‌شوند که دو نفر از آن‌ها به‌عنوان سناتور منطقه فدرال کوالالامپور، و مناطق فدرالی لابوآن و پوتراجایا نیز هر کدام یک سناتور در مجلس سنا خواهند داشت. سناتورها برای یک دوره سه ساله انتخاب می‌شوند که قابل تمدید برای یک دوره دیگر

دیگر و ادیان اسلام، بودایی، هندو، مسیحی و... در آن کشور زیست می‌کنند. در بعضی جوامع چند قومیتی در حال توسعه، حکومت‌ها تلاش می‌کنند با عهده گرفتن سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط، نقشی حساس و سرنوشت ساز در مدیریت تنش‌های قومی و سازگار ساختن منافع مختلف قومی ایفا کنند. مالزی یک نمونه کلاسیک است؛ جایی که هم‌زیستی چند گروه قومی اصلی با هویت‌های متمایز وجود دارد (همان، ۹۰) و به خوبی این چندگانگی مدیریت شده و از نظر پیشرفت در عرصه‌های مختلف از جمله اقتصادی و درآمد سرانه به کشورهای توسعه‌یافته پیوسته است.

ساختار نظام سیاسی مالزی

مالزی در جنوب شرقی آسیا و از دو شبه جزیره مالزی (مالزی غربی) و ایالات صباح و ساراواک (مالزی شرقی) به وسعت ۳۳۰۸۰۳ کیلومتر مربع، تشکیل شده و در ۳۱ آگست ۱۹۵۷ استقلال خود را از انگلستان به دست آورده است. پایتخت این کشور کوالالامپور است. این کشور دارای ۱۳ ایالت و سه منطقه فدرال (شامل کوالالامپور، لابوآن و پوتراجایا) است که این سه منطقه مستقیماً توسط حکومت مرکزی فدرال اداره می‌شود. (غفاری و افشاری، ۱۳۹۵: ۱۰۲) این کشور فدرال مطابق آمار جهانی تا سال ۲۰۲۲ حدود ۳۳/۷۷ میلیون نفر جمعیت داشته است. طبق قانون اساسی مصوب ۱۹۵۷ و اصلاحیه سال ۲۰۰۷ مالزی (Malaysia's Constitution of 1957 with Amendments through 2007) سه سطح از حکومت به طور عمودی برای این کشور تعریف شده است؛ حکومت فدرال، حکومت ایالات و حکومت محلی.

نوع حکومت در این کشور نظام پارلمانی سلطنتی فدرال می‌باشد. پادشاه انتخابی در رأس حکومت قرار دارد که مانند سایر نظام‌های مشابه دارای اختیارات و وظایف تشریفاتی است و از میان خانواده سلاطین

می‌باشد. رئیس مجلس سنا نیز از میان سناتورها و توسط آن‌ها برگزیده می‌شود.

مجلس نمایندگان فدرال مالزی در حال حاضر ۲۲۲ نماینده دارد که این افراد از طریق انتخابات سراسری حزبی برای یک دوره پنج ساله برگزیده می‌شوند. هرچند طبق قانون انتخاب مالزی نخست‌وزیر از میان نمایندگان مجلس در اختیار پادشاه است اما عملاً رئیس حزب حاکم یا بزرگترین حزب ائتلاف حاکم، به‌عنوان نخست‌وزیر منصوب می‌شود.

رئیس مجلس نمایندگان مالزی توسط اعضای مجلس انتخاب می‌شود ولی با توجه به پیش‌بینی خاص قانون اساسی مالزی، وی می‌تواند از میان شخصیت‌های خارج از مجلس نیز انتخاب شود و الزامی به انتخاب وی از میان اعضای پارلمان نیست. مجلس نمایندگان فدرال از اهمیتی اساسی در ساختار قدرت، حکومت و تشکیل کابینه برخوردار بوده و در واقع دروازه‌ای برای دستیابی به مسند قدرت از جمله وزارتخانه‌ها می‌باشد. مجلس سنا نیز همانند سایر نهادهای مشابه در برخی کشورهای دیگر بدو قانون‌گذاری نمی‌کند بلکه قوانین مصوب مجلس نمایندگان را به منظور تقدیم به پادشاه مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهد.

قوه قانون‌گذاری و اجرایی در مالزی بین قوه مقننه و مجریه فدرال و ایالات تقسیم می‌شود. پارلمان به وضع قوانین برای فدرال و مجالس ایالتی به وضع قوانین برای همه یا بخشی از ایالت می‌پردازند. هم‌چنان مقام اجرایی فدراسیون در خصوص همه موضوعاتی که پارلمان، صلاحیت وضع قانون را دارد، صلاحیت دارد و مقام اجرایی ایالت، در خصوص موضوعاتی که قوه مقننه ایالتی در خصوص آن شایستگی دارد، دارای صلاحیت می‌باشد. محدوده صلاحیت‌های حکومت فدرال و حکومت‌های ایالتی بر طبق ماده ۷۴ قانون اساسی در برنامه اصلاحی نهم که در آن صلاحیت‌های خاص و مشترک فدرال

و ایالتی تبیین شده، آمده است. (غفاری و افشاری، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

قوه قضائیه: رکن سوم از قوای سه‌گانه این کشور قوه قضائیه است که مجزا و مستقل از دو قوه دیگر می‌باشد و کارکرد اصلی آن تضمین اجرای قانون اساسی و تحقق عدالت اجتماعی بر اساس قوانین حاکم بر کشور است. از جمله وظایف این قوه رسیدگی به اختلافات قانونی میان افراد، دولت و افراد و تفسیر قوانین می‌باشد. این قوه، به‌عنوان نظام حقوقی شناخته می‌شود و اعضای آن شامل قضات و دادرسان می‌باشند که معمولاً توسط رئیس کشور (پادشاه) منصوب می‌گردند. این افراد معمولاً وظایف خود را در دادگاه‌ها انجام می‌دهند و با دیگر بخش‌های کشور مانند پلیس در اجرای قانون همکاری می‌نمایند. در مجموع، نقش اصلی قوه قضائیه مالزی، تفسیر قوانین، صدور احکام مدنی، رسیدگی به دعاوی کیفری، استماع و رسیدگی به پرونده‌های استیناف، صدور آراء مربوط به خانواده (طلاق، نفقه و...)، تعیین مواریث، و صدور احکام بازداشت از جمله نقش‌های اصلی قوه قضائیه مالزی می‌باشد.

دادگاه‌ها در مالزی: ساختار دادگاه‌ها در مالزی به دو بخش یعنی دادگاه برتر (Superior Court) و دادگاه تابعه (Subordinate Court) تقسیم می‌شود. عالی‌ترین دادگاه در مالزی، دادگاه فدرال است که پس از آن دادگاه تجدید نظر، دادگاه عالی مالایا، دادگاه عالی صباح و ساراواک قرار دارند. در هر ایالت دادگاه شریعت نیز وجود دارد که به امور قضایی مسلمان‌ها رسیدگی می‌کند. (<https://malaysia.mfa.gov.ir>) در مالزی سیستم قضایی دوگانه حاکم است. این نوع سیستم در اصل ۱۲۱ قانونی اساسی پیش‌بینی شده است. در ماده ۳ قانون اساسی نیز آمده است که قوانین اسلامی در ایالات این کشور بجز در مناطق فدرال قابل اجراست. در ماده ۷۵ قانون

ائتلاف جبهه ملی BN: این ائتلاف خود شامل چند حزب اصلی به شرح ذیل می‌باشد: سازمان ملی ملایوهای متحد معروف به آمنو که بزرگ‌ترین حزب در اتحادیه جبهه ملی محسوب می‌گردد. این سازمان سیاسی در سال ۱۹۴۶ میلادی تأسیس شد و تا زمان انتخابات سراسری سال ۲۰۱۸ قویترین جریان سیاسی در طول سال‌های کسب استقلال و پس از آن بود. اتحادیه چینی‌های مالزی که یک حزب چینی تبار است که تنها دو کرسی در مجلس نمایندگان در اختیار دارد. کنگره هندی‌های مالزی که یک حزب هندی تبار است. این حزب دارای یک کرسی در مجلس نمایندگان است.

ائتلاف جبهه متحد PN: این ائتلاف که در حال حاضر به عنوان جبهه مخالف دولت (اپوزیسیون) در پارلمان نقش بازی می‌کند خود از چند حزب به شرح ذیل تشکیل شده است: ۱. حزب برساتو به رهبری محی‌الدین یاسین نخست‌وزیر اسبق مالزی، ۲. حزب اسلامی پاس مالزی (PAS) به رهبری عبدالهادی آونگ یکی از قدیمی‌ترین احزاب سیاسی مالزی با پایگاه مردمی مسلمانان مالایی. (<https://malaysia.mfa.gov.ir/portal>)

ایالت‌های مالزی

- ایالت‌های مالزی غربی عبارتند از:
۱. جوهور (Johor) با ۱۹۹۸۵ کیلومتر مربع مساحت که جمعیتی معادل ۳/۳۵ میلیون نفر را در خود جای داده است. مرکز این ایالت شهر جوهور بارو (Johor Baharu) است. جزیره جوهور توسط یک پل به سنگاپور متصل می‌شود
 ۲. کداح (Kedah) با ۹۰۴۳۵ کیلومتر مربع مساحت که جمعیتی معادل ۱/۹۵ میلیون نفر دارد و مرکز آن شهر آلوستار (Alur Setar) است.
 ۳. کلاتان (Kelantan) با ۱۴،۹۳۰ کیلومتر مربع مساحت دارای ۱/۵۴ میلیون نفر جمعیت و مرکز آن

اساسی آماده است که «در صورت وجود تعارض در قوانین ایالات از جمله قوانین شریعت، قوانین فدرال، اولی خواهد بود». (همان) همانند بسیاری از کشورها قوانین مالزی به دو بخش قوانین نوشته شده و مصوب و قوانین عرفی/کامن لا (رویه قضایی) تقسیم شده است. جالب این است که در صورت فقدان حکم یک موضوع در قوانین مذکور، قوانین عرفی و رویه قضایی انگلیس، استرالیا، هند و سنگاپور نیز قابل استناد می‌باشد. (همان)

احزاب سیاسی

یکی از ویژگی‌های کشورهای مالزی وجود احزاب سیاسی پرشمار و برگزاری انتخابات بر اساس مبارزات حزبی است. بیشتر احزاب سیاسی مالزی در ابتدا بر اساس قوم و نژاد ساکن در کشور شکل گرفته‌اند که افغانستان از این جهت نیز شبیه مالزی است. در این کشور احزاب و ائتلاف‌های متعددی در صحنه سیاسی و انتخابات فعال می‌باشند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. **ائتلاف امید (PH):** ائتلاف امید به رهبری انور ابراهیم توانست در انتخابات دوره پانزدهم پارلمان در ۱۹ نوامبر ۲۰۲۲ با همکاری ائتلاف BN و احزاب صباح GRS و ساراواک GPS اکثریت کرسی‌های پارلمان را کسب نموده و دولت دهم را تحت عنوان دولت وحدت تشکیل دهد. احزاب حاضر در ائتلاف امید عبارتند از:
 - ۱- حزب عدالت مردم که رهبری آن را انور ابراهیم به عهده دارد،
 - ۲- حزب عمل دموکراتیک که یک حزب چینی تبار است،
 - ۳- حزب امانه به رهبری محمد صبو،
 - ۴- حزب واریسان صباح به رهبری شفیع اپدال
 اگر چه رسماً عضو ائتلاف امید نیست اما با این ائتلاف همکاری دارد.

حکومت ایالتی

در ۱۳ ایالت حکومت ایالتی وجود دارد که در ۹ ایالت حاکمان آن‌ها بنام سلطان یا پادشاه یاد شده و به صورت موروثی می‌باشد. پادشاه مالزی می‌تواند استعفا خود را به اجلاس حاکمان ایالات تسلیم نموده و یا آنان می‌توانند در صورت لزوم پادشاه را برکنار نمایند. حکومت‌های ایالتی قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه محلی خود را دارند که در حیطه تعریف شده در قانون اساسی اعمال صلاحیت می‌کنند. در قانون اساسی رابطه تقسیم وظایف و اختیارات و منابع مالی میان حکومت فدرال و حکومت ایالتی تعریف شده است و احیاناً اگر تعارض میان قوانین مجالس حکومت ایالتی و پارلمان فدرال به وجود آید، اولویت و ارجحیت با قانون پارلمان فدرال است.

در جدول زیر محدوده‌ای صلاحیت‌های حکومت (قوه مجریه و مقننه) فدرال و حکومت‌های (قوای مجریه و مقننه) ایالتی بر بنیاد برنامه اصلاحی نهم ماده ۷۴ قانون اساسی مالزی مشخص شده است و سایر صلاحیت‌هایی که در این جدول نیامده از صلاحیت حکومت ایالات می‌باشد. بر بنیاد این احصاء حکومت‌های فدرال و ایالات نمی‌توانند در محدوده صلاحیت دیگری ورود نمایند، در غیر این صورت انجام این کار تجاوز از صلاحیت‌های تعریف شده شمرده می‌شود.

شهر کوتا باهارو (Kota Baharu) می‌باشد.

۴. ملاکا (Melaka) دارای ۱،۶۵۰ کیلومتر مربع مساحت و ۸۲۰ هزار نفر جمعیت است. مرکز این ایالت، شهر ملاکا (Melaka) است.

۵. نگری سمبیلان (Negari Sembilan)، ۶۰۶۴۳ کیلومتر مساحت و جمعیتی معادل ۱/۰۲ میلیون نفر دارد و مرکز آن شهر سرمبان (Seremban) است.

۶. پاهانگ (Pahang) با ۳۵،۹۶۵ کیلومتر مربع مساحت، جمعیتی معادل ۱/۵۰ میلیون نفر دارد و مرکز آن شهر کوانتان (Kuantan) است.

۷. پینانگ (Pinang) با ۱۰،۰۰۳ کیلومتر مربع مساحت، ۱/۵۶ میلیون نفر جمعیت دارد و مرکز آن شهر جورج تاون (George Town) است.

۸. پراک (Perak) دارای ۲۱،۰۰۵ کیلومتر مساحت و ۲/۳۵ میلیون نفر جمعیت است و مرکز آن شهر ایپوه (Ipoh) می‌باشد.

۹. پرلیس (Perlis) کوچک‌ترین ایالت مالزی است و با ۷۹۵ کیلومتر مربع مساحت، ۲۳۰ هزار نفر جمعیت دارد و مرکز آن شهر کنگر (Kangar) می‌باشد.

۱۰. سلانگور (Selangor) با ۸،۲۰۰ کیلومتر مربع مساحت جمعیتی معادل ۵/۴۶ میلیون نفر را در خود جای داده و مرکز آن شهر شاه عالم (Shah Alam) است.

۱۱. ترنگانو (Trenccanu) با ۱۲،۹۵۵ کیلومتر مربع مساحت، ۱/۰۴ میلیون نفر جمعیت دارد و مرکز آن شهر کوالا ترنگانو (Kuala Terengganu) می‌باشد.

ایالات مالزی شرقی عبارتند از:
۱. صباح (Sabah) با ۷۳،۷۱۱ کیلومتر مربع مساحت، ۳/۲۱ میلیون نفر جمعیت دارد و مرکز آن شهر کینابالو است.

۲. ساراواک (Sarawak) این ایالت که بزرگترین ایالت کشور است با ۱۲۴،۴۴۹ کیلومتر مربع مساحت، ۲/۴۷ میلیون نفر جمعیت دارد و مرکز آن

شهر کوچینگ می‌باشد. (<https://malaysia.mfa.gov.ir/portal/generalcategoryservices/10168>)

جدول ۱: حوزه صلاحیت‌های اختصاصی و مشترک حکومت فدرال و حکومت‌های ایالات

حوزه صلاحیت‌های مشترک	حوزه صلاحیت‌های ایالات	حوزه صلاحیت‌های فدرال
رفاه اجتماعی	حقوق مذاهب مسلمانان	امور خارجی
سلامت عمومی	زمین و استفاده از آن بجز کوالالامپور، لابوآن و پوتراجایا	کار و امنیت اجتماعی
برنامه‌ریزی شهر و کشور	سنت مالایی	رفاه ساکنان بومی (مالایی)
زهکشی و آبیاری	مسئولیت‌های اضافی ایالات صباح و ساراواک	دفاع و امنیت
احیای زمین دارای معادن و مناطقی که فرسایش خاک اتفاق افتاده است	وام برای توسعه زمین و مذهب عمومی ایالات	امنیت داخلی
پارک‌های ملی حمایت از پرندگان و حیوانات وحشی	مشارکت مقامات محلی و اعضای دیگر	تجارت، بازرگانی و صنعت
کمک هزینه دانشجویی	دولت محلی	ترابری، ارتباطات و حمل و نقل
کشت کاری حیوانات	خدمات عمومی محلی؛ خانه‌های پانسونی و قبرستان‌ها	پروانه کار
سلامت عمومی	آب ایالات، امور ایالت و آبرسانی وقتی که در سطح فدرال نیست	آبرسانی، رودخانه‌ها و کانال‌ها
فرهنگ و ورزش	حقوق محلی و سنتی	امور مالی و مالیات
مسکن و مقررات برای وام مسکن	پرندگان آبی و ماهی‌گیری	کشتیرانی و ماهی‌گیری
تسهیم اضافه مسئولیت ایالات صباح و ساراواک	فرودگاه‌ها و بندرگاه‌هایی که فدرال اعلام می‌کند	آموزش
حقوق خصوصی	بررسی عوائد و ثبت زمین	سلامت
استحاله خوار و بار و کالاهای دیگر	تعیین نقش قانون و غرامت مرتبط با امور ایالتی	حقوق مدنی، کیفری و دادرسی اداری
نیروی آب	کاداسترال	تابعان فدرال و قبول تابعیت بیگانگان
تحقیق در خصوص کشاورزی و جنگلداری	بازارها و نمایشگاه‌ها	امور و منافع عمومی
امور خیریه و تراست‌ها	تحقیق و رسیدگی برای اهداف ایالت	بررسی، تحقیق و رسیدگی برای فدرال
تئاتر، سینما و اماکن سرگرمی	تعطیلات ایالات	تعطیلات فدرال
	راه آهن صباح و ساراواک	اجتماعات فاقد شخصیت حقوقی
	کشاورزی و جنگلداری	کنترل آفات کشاورزی
	کتابخانه‌ها و موزیم‌ها	انتشارات
	جواز تئاتر و سینما	تئاتر و سینما
	امور احشام و محل حیوانات	سانسور
		تهیه مسکن فدرال و توسعه تراست
		اجتماعات کارگری
		پیشگیری و اطفای حریق

منبع: (غفاری و افشاری، ۱۳۹۵: ۱۱۱)

هم چنین در قانون اساسی تصریح شده که اگر قانون وضع شده پارلمان فدرال، حقوق ایالتی را محدود کند، باید به وسیله مجلس آن ایالت با اکثریت آرا، مورد تصویب و حمایت قرار گیرد. (همان)

حکومت ایالتی و حکومت محلی

در قانون حکومت محلی مصوب ۱۹۷۶، صلاحیت و مسئولیت بین ایالات و حکومت‌های محلی زیر مجموعه آن تقسیم شده است. در این قانون، برخی فعالیت‌ها به طور خاص به حکومت محلی واگذار شده است که شامل:

- اختیار برنامه‌ریزی محلی،
- اختیار صدور پروانه و مجوز،
- جمع‌آوری انواع خاصی از مالیات،
- برنامه‌ریزی و مدیریت شهری،
- ایجاد ساختمان‌های عمومی، بازارها، غرفه‌های فروشندگان دوره‌گرد، مجتمع‌های تجاری، پروژه‌های ساخت مسکن،
- برنامه‌ریزی و وضع مقررات در خصوص منافع عمومی، می‌شود. (همان، ۱۱۵ و ۱۱۶)

تقسیم منابع مالی و درآمدهای حکومت

الف. حکومت فدرال و ایالات

در قانون اساسی مالزی ماده ۸۲ تقسیم منابع مالی میان حکومت‌های فدرال و ایالات نیز تصریح شده است. (The constitution of Malaysia, arti- cle82) هرچند در بخش مالی وزنه حکومت فدرال نسبت به حکومت‌های ایالتی سنگینی دارد و کم‌ترین منابع درآمدی به ایالت‌ها اختصاص داده شده است. منبع درآمدی حکومت فدرال و ایالات و نحوه توزیع آن که در گزارش وزارت اقتصادی آمده به تفکیک در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲: توزیع منابع درآمدی میان حکومت‌های فدرال و ایالات

منابع ایالات	منابع فدرال
درآمدهای مالیاتی	درآمدهای مالیاتی
۱. مالیات غیر مستقیم تولید نفتی، عوارض واردات و صادرات بر تولیدات تیرچوب و دیگر تولیدات جنگلی برای ایالات صباح و ساراواک	۱. مالیات‌های مستقیم
۲. جنگل‌ها	الف- مالیات‌های درآمدی
۳. زمین و معادن	• شخصی
۴. عوارض سرگرمی	• شرکت‌ها
	• مالیات سود اضافه
	• شرکت‌های تعاونی
	• مالیات نفتی
	• مالیات توسعه
	• عوارض اجاره فیلم
	ب- مالیات اموال و منافع سرمایه
	• مالیات منافع واقعی مال
	• عوارض دارایی ملک
	• مالیات انتقال املاک
	۲. مالیات‌های غیر مستقیم
	الف- مالیات بر تجارت بین‌المللی
	• عوارض صادرات
	• عوارض واردات
	ب- مالیات تولید و مصرف
	• عوارض مستقیم
	• مالیات فروش
	• مالیات خدمات
	ج- سایر
	• مالیات سرگرمی
	• عوارض چاپ
	• مالیات قمار
	• شرط‌بندی و شرط‌بندی اسب‌دوانی
	• بخت‌آزمایی
	• کازینو
	• عوارض شرط‌بندی رأی

جدول ۳: منابع درآمد حکومت محلی

درصد	منبع درآمد ملی
۴۷/۳۸	بهای تشخیص مالیات
۲۰/۱۰	دستمزد، شارژ و سایر خدمات
۳/۶۰	کمک هزینه در کمک اجاره
۵/۲۷	وجه اجاره از املاک و اموال حکومت محلی
۱۷/۰۷	کمک هزینه فدرال و ایالات
۰/۵۰	درآمدهای مالیاتی دیگر

منبع: همان، ۱۲۳

روش رفع اختلاف میان حکومت‌ها

در صورت بروز اختلاف میان ایالات و یا میان حکومت فدرال و یک ایالت یا میان مجامع قانون‌گذاری با یکدیگر و یا با مجلس نمایندگان فدرال، مرجع رسیدگی به آن دادگاه فدرال می‌باشد. (Malaysia government and politics', 2005) دادگاه فدرال بالاترین مقام قضایی است و انتصاب قضات آن، با پیشنهاد نخست‌وزیر از سوی پادشاه انجام می‌شود. (غفاری و افشاری، ۱۳۹۵: ۱۲۸)

نتیجه‌گیری

کشورها و جوامع نظام حکومتی خود را بر بنیاد نیازها و مدیریت چالش‌های جوامع چند قومی، چند مذهبی و چند فرهنگی با هدف تحقق عدالت اجتماعی انتخاب می‌کنند. مالزی یکی از کشورهای مسلمان و موفق در این زمینه است. این کشور متنوع از نظر جغرافیایی، قومی، زبانی، دینی و فرهنگی با اتخاذ سیستم فدرالی توانسته است علاوه بر کاهش نابرابری میان طیف‌های گوناگون شهروندان خود، زمینه رشد و توسعه اقتصادی را نیز فراهم آورده و به عنوان نخستین کشور مسلمان هم‌اکنون در ردیف کشورهای توسعه‌یافته جا گرفته است. هرچند نقش و اثرگذاری حاکمان و مدیران این سرزمین را در این

درآمدهای غیر مالیاتی و دریافت‌های غیر درآمدی	درآمدهای غیر مالیاتی
۱. مالیات جاده	۱. پروانه و جواز
۲. جواز و پروانه	۲. حق امتیاز
۳. دستمزد خدمات	۳. دستمزد خدمات
۴. جریمه‌ها و غرامت‌ها	۴. تعهدات تجاری: آب، گاز، فرودگاه و بندرگاه
۵. بهره	۵. دریافت از فروش زمین‌ها
۶. اعانه از دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی	۶. اجاره املاک ایالات
۷. استرداد هزینه‌ها و مخارج	۷. عایدات، سود سهام و بهره دریافت‌های غیر درآمدی
۸. دریافت از دیگر نهادهای دولتی	۸. امتیازات و کمک هزینه فدرال و بازپرداخت‌ها
۹. دریافت از سرزمین‌های فدرال	
۱۰. حق امتیاز/ پرداخت‌های نقدی گاز (پترول)	

منبع: همان، ۱۱۹

ب. حکومت‌های محلی

درآمد حکومت‌های محلی در مالزی، ناشی از سه منبع عمده است: ۱. اجاره‌ها و دستمزدها، ۲. مالیات محلی و ۳. انتقالات مالی درون دولتی که از جانب فدرال یا ایالات داده می‌شود. آمارها نشان می‌دهند که بیشتر درآمدهای محلی، بهای تشخیص مالیات است. بهای تشخیص مالیات بر اساس افزایش بهای اموال و دارایی تعیین و تحمیل می‌شود. (همان، ۱۲۱)

توزیع منابع درآمد حکومت محلی که در سال ۱۹۹۴ در گزارشی به وزارت مسکن و حکومت‌های محلی ارائه شده است، در جدول زیر نشان داده شده است.

پیشرفت نمی‌توان نادیده گرفت اما ایجاد یک نوع رقابت مثبت میان ایالات سیزدگانه و واگذاری برخی از اختیارات به حکومت‌های ایالتی و محلی ناشی از نظام فدرالی و توزیع قدرت به صورت عمودی و افقی در آن کشور است. این الگو در دیگرهای کشورهای مسلمان مشابه از جمله افغانستان نیز قابل تطبیق و بومی‌سازی می‌باشد. هرچند در دوره نظام جمهوریت در افغانستان در زمینه زون‌بندی اقتصادی کارهای ابتدایی در اداره ارگان‌های مستقل محلی صورت گرفته بود که در صورت تحقق و اجرایی شدن آن، نتیجه همان تمرکززدایی در بخش اقتصادی و ایجاد زون‌های خاص اقتصادی با هدف جلب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و افزایش فعالیت‌های اقتصادی بود که بر ایند فدرال اقتصادی را به نحوی به دنبال داشت. بر خلاف ترس و تبلیغات شماری از هموطنان که فدرالی شدن را برابر با تجزیه می‌دانند، تجربه کشورهای با سیستم فدرالی و از جمله مالزی نشان داده که فدرالی شدن به قوام وحدت ملی و سرزمینی و پیشرفت اقتصادی و سیاسی و تحقق عدالت اجتماعی در جوامع متکثر چند قومی و چند فرهنگی بهتر جواب می‌دهد تا حکومت متمرکز و بسیط تک قومی، تک حزبی، تک مذهبی و تک جنسیتی.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. امید، علی، (۱۳۸۷) مقایسه مدل‌های ساختاری مدیریت مناطق جوامع متکثر قومی:

درس‌هایی برای ایران، دو فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، شماره ۱۰۶.

۳. خلیلی، محسن و دانشمندی، رضا، (۱۳۹۲) نگاهی به مدل دولت/ ملت‌سازی در مالزی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات جهان اسلام، شماره ۱.

۴. شیرزادی، رضا، (۱۳۸۹) دولت و توسعه سیاسی در مالزی، فصلنامه مطالعات سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، سال سوم، شماره ۹.

۵. غفاری، هدی و افشاری، فاطمه، (۱۳۹۵) آسیب شناسی نظام عدم متمرکز در مالزی با رویکرد تطبیق به نظام انگلستان، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، سال دوم، شماره ۶.

6. Hueglin, Thomas O. (2005) Comparative Federalism, From: <http://www.tamilnation.org/>

1. [conflictresolution/federalism/comparativefederalism.htm](http://www.conflictresolution/federalism/comparativefederalism.htm)

7. <https://malaysia.mfa.gov.ir/portal/generalcategoryservices/10168>

8. Malaysia's Constitution of 1957 with Amendments through 2007

9. Malaysia government and politics', 2005

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴